

متن پرسش

و امروز فقط دارد در خون خود می‌غلند این قلب جز قلب خلق نیست. کی ام پس اگر خلقم و کو جز خدا اگر حق است و هست هست. پس سفر دوم کی شروع می‌شود من که تمام شدم و این یکی همیشگی است؟ دلم ز وعده شیرین لبی است در پرواز / که یاد کوه‌کنش به ز وصل پرویز است / ز من چه سرزده ای سرو نوش لب / که دگر سرت گران و حدیثت کنایه آمیز است / منه فزونم ازین بار جور بر خاطر / که پیک آه گران خاطر سبک خیز است / کشاکش رگ جانم شب دراز فراق / ز سر گرانی آن طره دلاویز است / به این گمان که شوم قابل ترحم تو / خوشم که تیغ جهانی به خون من تیز است / چو محتشم سخن از قامتت کند بشنو / که گاه گاه سخنهاى او بانگین است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: سیر از حق به حق یعنی همه چیز را به آینه حضور او متصل بیابیم و همچنان به هدف و اهدافی نظر کنیم که در دل طوفان‌های زندگی ظهور می‌کند. مانند فرزندان مقاومت و مانند مادران مادر شهدا، حضرت ام البنین. بانویی که نشان داد مسیر توحید برای سرنگونی استکبار اموی ظرفیت آن را دارد که چهار فرزند را فدای آن مسیر کند و ابداً به گمان آن که دشمن توان کشتن ما را دارد؛ خود را نبازد. آری! این است معنی سیر از حق به حق. «من هرچه خوانده‌ام همه از یاد برده‌ام / غیر از حدیث دوست که تکرار می‌کنم» و این یعنی همان ایمانی که پشتیان جبهه مقاومت است با فرزندان که عارفان و شب زنده‌داران همه حسرت حضور چنین ایمانی را در جان خود احساس می‌کنند. موفق باشید